در بخش دوم جلسه کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران در مورد باقیمانده سموم تشریح شد

چه تجربیاتی داریم؟

بخش دوم جلسه کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران در مورد باقیمانده سموم با محوریت بازخوانی تجربه‌های گذشته برگزار شد. گزیده‌ای از مباحث طرح شده در این جلسه را می‌خوانید.



نویدارجمند



کیانوش‌رنجبر



دنیس‌کتابی



بهرام‌آگاه

آنچه باغداران باید بدانند

نوید ارجمند- من به‌عنوان یک باغدار فکر می‌کنم ضروری است که باغداران به مسئله فاصله زمانی بین سم‌پاشی تا برداشت محصول (PHI) برای آنچه در بازارهای اروپا و ژاپن مهم است حساس شوند، سموم مورد استفاده را خوب بشناسند، از مقدار توصیه شده تجاوز نکنند، نحوه استفاده سم و قواعد گَپ (GAP) را رعایت کنند و شروع کنند به یادداشت کردن اینکه چه سمی، در چه مکانی، در چه زمانی و با چه مقداری پاشیده شده‌است. این اطلاعات می‌تواند به تجاری که رابطه مستمر با باغداران دارند کمک کند و این رابطه باید بر اساس یک اعتماد و آزمون تکرارشونده بین صادرکننده و باغدار باشد.

گماشتن یک نماینده برای چک کردن باغ‌ها

کیانوش رنجبر- من به‌عنوان صادرکننده از جمله کارهایی که توانستم برای کنترل باقیمانده سموم بکنم عقد قرارداد با کشاورزانی بوده که مقدار بیشتری کالک نسبت به بقیه کشاورزان برمی‌داشتند، گماشتن یک نماینده برای چک کردن باغ‌ها بود که چه سمومی استفاده کنند، چه سمومی استفاده نکنند و حتی‌الامکان به‌جای سم از صابون استفاده کنند. هر محموله قبل از شکست باید آزمایش شود؛ نه فقط در یک آزمایشگاه داخلی، بلکه ما یک نمونه را هم می‌فرستادیم به یک آزمایشگاه در اروپا. در واقع ما مواد خام ورودی را آزمایش می‌کنیم. تا قبل از یک سال و نیم گذشته در بخش فروش به‌نحوی با مشتریانی که کمتر حساس هستند و خودشان به شکلی محصول را پخش می‌کنند و می‌فروشند کار کردیم، ولی الان دیگر انجام این کار امکان‌پذیر نیست و در نهایت منجر شد که صادرات‌مان کاهش پیدا کند.

مشکلی ساده که پیچیده می‌شود

دنیس کتابی- معمولاً یکی از مشکلات در موضوع باقیمانده سموم یکدست و یکنواخت بودن توزیع باقیمانده سم

در محصول یک باغ است؛ در حالی که افلاتوکسین دقیقاً برعکس است. ما برای تهیه یک محموله مغز سبز باید بارهای مختلفی را از باغدارهای مختلف تهیه کنیم. این کار باعث می‌شود یک مشکل ساده را پیچیده کنیم و اگر محموله‌ای آلوده به باقیمانده سموم نباشد، می‌تواند با مخلوط شدن با یک محموله دیگر که آلودگی دارد، به‌طور یکنواخت درگیر مشکل باقیمانده سموم شود.

بنابراین، ما تصمیم گرفتیم که به سراغ باغ‌های بزرگ‌تر برویم تا قرار نباشد چند محموله را باهم مخلوط کنیم. همچنین، ما اصلاً آزمایش‌ها را در ایران انجام نمی‌دهیم. اما این هم مشکل بزرگی است، چون به‌طورکلی کشاورزان ایرانی در این مورد اطلاعات کمی دارند و نمی‌خواهند بدانند. همان‌طوری که این سال‌ها در مورد افلاتوکسین گفتند یک مشکل سیاسی است. وقتی بازار چین باز شد پسته به



چالش سه‌گانه

بهرام آگاه- این مواردی که اشاره می‌کنم فقط در مورد مغز سبز نیست، بلکه ما در مسئله باقیمانده سموم در اروپا، هم با پسته، هم با مغز، هم با مغز سبز در یک قسمت‌هایی از بازارهایمان درگیر بودیم؛ به همین دلیل مواردی که می‌گویم بین این سه کالا پخش می‌شود و بین‌شان یک تفاوت‌هایی وجوددارد.

اصلاح مدل تجاری

بزرگترین سرفصلی که به ما کمک کرد تا بتوانیم با مسائل باقیمانده سموم دست و پنجه نرم کنیم اصلاح مدل تجاری است.

ما به دو شکل این کار را انجام دادیم: **۱**- در مورد خرید تجاری محصولی که باغدار مستقلاً خودش همه کارها را انجام می‌دهد و محصول هم فقط مغز سبز نیست، پاداش‌های تعریف شده سالانه‌ای برای این دسته از باغداران تعیین می‌شود. بنابراین، این روش یک ارتباط طولانی‌مدت با باغدار نیاز دارد. **۲**- اساس فعالیت ما در مجموعه مغز سبزمان این است که باطناً یک کار تجاری نمی‌کنیم، بلکه اساس آن یک تعاونی است؛ به این ترتیب که پسته از باغدار تحویل گرفته می‌شود، کارهای فرآوری روی آن انجام می‌گیرد، نهایتاً پسته صادر می‌شود و فروش می‌رود و هزینه‌ها و سود تعریف شدهٔ مدیریتیش کم می‌شود و منافع حاصله به کشاورزانی که ماده اولیه را در مجموعه گذاشتند، برگردانده می‌شود. با این مدل اساساً می‌توان مسئله تضاد منافع بین باغدار و کشاورز را حل کرد. البته آن مجموعه واقعاً یک تعاونی است و هیچوقت سود یا ضرر تجاری به معنای عام ندارد، بلکه نهایتاً محاسن، معایب، منافع و مضرات قیمتی کل این پروسه به باغدار برمی‌گردد.

آزمون محصول در آزمایشگاه‌های مقصد

ما از طریق آزمایشگاه‌های ایرانی هیچ چیز را تست نمی‌کنیم، چون فایده‌ای ندارد؛ تنها یک فایده کوچک می‌توانم برایش متصور شوم، ولی به درد سرش نمی‌ارزد و آن این است که شما صرفاً به‌عنوان یک غربالگری اولیه هنگام تحویل‌گیری یا خرید کالا در آزمایشگاهی ایرانی محصول را آزمایش کنید. اما به‌قدری عدم تطابق جواب‌ها بین آزمایشگاه‌های خصوصی و دولتی داخلی با آزمایشگاه‌های اروپا و ژاپن زیاد است، که انجام ازمایش در ایران وقت هدر دادن است.

پرهیز از خریدن بار خُرد

طبیعتاً کشاورزی خُرد یا غیرصنعتی در ایران نقطه شروع تمام این مسائل است. بارهای خُرد را نه صرفه اقتصادی دارد و نه راهی دارد که کنترل کنید و اگر آنها را با هم مخلوط کردید دقیقاً حُسن همگن بودن و یکنواختی آن را از بین می‌برید. افلاتوکسین هم تا حدی همین‌گونه است، ولی اساساً این مشکل را دارد. هر جا که ورودی خُرد وجودداشته باشد تمام کارهای کنترلی و فراوری، بعداً پر هزینه‌تر، سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. بنابراین، در درجه اول سعی می‌کنیم از بار خُرد تا جای ممکن دوری کنیم.



سمت چین رفت و مشکل افلاتوکسین حل نشد، بلکه بازار دیگری باز شد. به‌نظر ما مشکل باقیمانده سموم به این زودی حل‌شدنی نیست، بنابراین ما رفتیم به سمت خرید ملک در خارج از کشور، چون در بسیاری از مناطق دنیا می‌توان پسته کاشت، مخصوصاً برای مغز کال و این اتفاق دارد می‌افتد.

هزینه سنگین آزمایش

سهیل حمیدی- من نکته زیادی برای اضافه کردن ندارم. اما فکر می‌کنم ارسال نمونه بارهای مختلف برای آزمایشگاه مقدار زیادی هزینه‌بر است؛ مثلاً هزینه هر آزمایش تقریباً ۲۵۰ یورو می‌شود، شما حساب کنید برای ارسال ۲۰ بار مختلف هزینه بالایی خواهدداشت و به همین دلیل این کار خیلی عملی نیست. پاداش به کشاورزان کاری است که جواب داده و حتی آنها را برای سال‌های آینده تشویق کرد و روابط ما را خیلی بهبوددداد.

مهندسی محصول

از آنجایی که آلودگی باقیمانده سموم همگن است، اگر ماده اولیه به نسبت بزرگی وجودداشته باشد که جواب‌های آزمایش نسبتاً خوب و زیر حد مجاز داشته‌باشد، می‌توان مهندسی محصول انجام داد. البته این کار را در مورد پسته می‌گویم، نه روی مغز سبز، چون مغز سبز ورودی‌اش خردتر است. در مهندسی محصول یک محموله پسته که باقیمانده سم نزدیک به صفر دارد را از طریق یک تناسب‌بندی به نسبت ساده با یک بار که جواب‌های نه لزوماً خیلی بالا ولی در حد قابل قبول ندارد، می‌توان مخلوط کرد؛ این کار یک پیچیدگی‌های جزئی دارد و همیشه هم صددرصد درست درنمی‌آید، ولی با این روش می‌توان مقداری از بارهایی که به خودی خود امن به حساب نمی‌آیند و یا داخل حد مجاز نیستند را عملاً با این سیستم مهندسی مخلوط کرد. این یکی از کارهایی است که ما توانستیم بعد از مرحله باغ در مورد باقیمانده سموم انجام بدهیم. اما در مورد بارهایی که نمی‌دانیم جوابشان چیست و یا نسبت به آنها حسی نداریم، باید از اختلاط آنها با بارهایی که حد پایینی از آلودگی دارند جلوگیری کنیم، چون اختلاط موادی که جوابشان را نمی‌دانیم می‌تواند منجر به ریسک‌های خیلی بزرگی شود.

ایجاد همزمانی بین دو نوع قرارداد

ما نمی‌توانیم محصول را در ایران تست کنیم و تست کردن در اروپا یا در بازارهای مقصد یک پروسه هزینه‌بر و زمان‌بر است و بین ۲ تا ۳ هفته زمان نیاز دارد. بنابراین، برای محصولی که در سطح تجاری عرضه می‌شود و شخص می‌خواهد نیم ساعت بعد بداند که شما محصول را می‌خرید یا نمی‌خرید و یا به چه قیمتی می‌خرید، کاری که ما توانستیم انجام دهیم این است که روی چنین مواد اولیه‌ای، تعدادی بازار ثانویه بدون این کنترل‌ها بسازیم. به‌عنوان مثال: در مورد مغز سبز بازارهای کالکی وجود دارد که حساسیت روی باقیمانده سموم ندارند. کاری که ما می‌کردیم این بود که مقداری قرارداد کالک می‌بستیم، ولی از لحاظ تحویل دادن همزمان با قرارداد شرط دارمان در بازار دیگر بود. این کار به ما این امکان و قدرت را می‌داد که از مواد اولیه‌ای که در طول یک ماه آینده تهیه می‌کنیم، عملاً به مدت سه ماه برای انجام تست فرصت داشته‌باشیم. یعنی دستمان در تهیه مواد اولیهٔ ریسک‌دارتر باز می‌شد. اگر بدون این کار کالا را می‌خریدیم تا به تست می‌رسیدیم یک ماه گذشته بود و در این مدت اتفاقات اقتصادی زیادی افتاده، شرایط بازار تغییر کرده و مقابل عمل انجام شده قرار می‌گرفتیم. با ایجاد همزمانی این دو نوع قرارداد با هم می‌توانیم عملاً دست خودمان را در تهیه مواد اولیه مقداری بازتر کنیم. مشکل این روش این است که مقداری به حجم احتیاج دارد؛ یعنی این کار را در سطح خیلی خیلی کوچک نمی‌شود انجام داد. طبیعتاً با مواردی که گفته شد ما توانسته‌ایم کارهایی را برای مدیریت این موضوع بعد از مرحله باغ انجام دهیم، اما من هیچ خوشبینی نسبت به این روش‌ها ندارم و از لحاظ اهمیت فکر می‌کنم نود درصد از کارهایی که توانستیم بکنیم از زاویهٔ اصلاح مدل تجاری حاصل شد. موفقیت‌های ما مطلق نبوده‌اند و حل مسئله ما محدود به دو مدلی است که توضیح دادم.